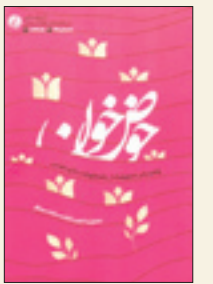


پیش‌خواران

جلوه‌هایی از حالات و مقامات زنان تراز انقلاب اسلامی

«حوض خون» به منابه بوم رنگی زیبا و دلپذیر!

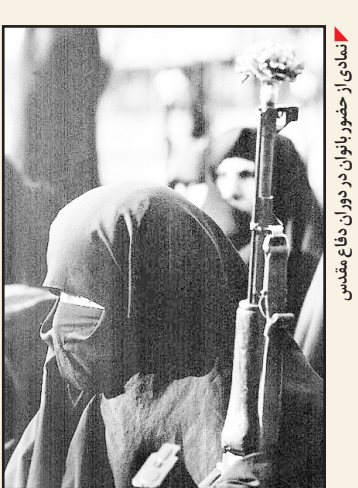
■ محمدرضا گائینی



اکنون «حوض خون» به نامی آشنا در تاریخ نگاری انقلاب و دفاع مقدس مبدل گشته و این اثر تاریخی پژوهانه، بسا نگاه‌ها و دل‌ها را به خویش متوجه نموده است. حکایت این کتاب مربوط به زنان حماسه‌ساز و خدوم اندیمشکی است که لباس‌های خون آلود زمندگان را در حوض‌هایی می‌شستند! این کتاب به همت فاطمه سادات میرعالی فراهم آمده و احد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. ناشر در دیپاچه خویش بر این پژوهش روایی به نکاتی فراتر از موضوع این تحقیق اشارت برده است که بس

مهم می‌نماید:

«تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، عمیقاً به روایت زنان این انقلاب و طبعاً به خود انقلاب بدهکار است. زنان شهید انقلاب و دفاع‌مقدس، زنان مبارز پیش از انقلاب، همسران مبارزان انقلاب، همسران رزمندگان و شهدا و آزادگان و جانبازان، مریمان پرور شسی، معلمان و مبلغان فرهنگی، جهادگران، دانشمندان، پژوهشگران، کارآفرینان و… هنوز به راستی روایت نشده‌اند. زنانی که محور خانواده بوده‌اند و حضور آنها در عرصه‌های گوناگون مساوی با هم‌راهی و حضور اعضای خانواده در انقلاب بوده است. آنها در سکوت تمام بار تربیت نیروهای انقلاب را به دوش کشیده‌اند و باز هم در سکوت، روایت تلاش و مجاهدت زنانسه و مادرانه خود را در حاشیه موفقیت مردان انقلابی‌شان دیده‌اند. جایگاه زنان در میانه و گوشه‌گوشه رویدادهای سازنده و مقوم انقلاب اسلامی و همچنین در خلق مفاهیم و ساختارها و نهادها و نیز تثبیت ارزش‌ها



نمایی از حضور بانوان در دوران دفاع مقدس

و تداوم کنش‌های انقلابی انکارناپذیر است، اما در جریان تاریخ‌نگاری رویدادمحور و شهرت‌زده و کلیشه‌ای، غالباً به سفیدی بین سطور و گاهی هم به تک‌روزنه‌هایی سپرده شده است که مردان انقلاب در روایت‌های خود به دنیای زنان انقلاب و پشتیبانی انقلاب باز کرده‌اند. حضور کم‌تعداد زنان در جمع شخصیت‌های سیاسی که بیشتر آثار تولید شده در حوزه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی را به خود اختصاص داده‌اند نیز مزید بر علت شده است تا حافظه تاریخی ایرانیان از روایت حماسه‌های مداوم و بر تکرار البته بی‌صدا زنان جامعه در مقایسه با سهم مردان تقریباً خالی ماندن و نهایتاً در کلیشه‌ها خلاصه شود. در حالی که اگر آنچه از الگوی سوم زن، در انقلاب محقق شده است به خوبی روایت شود، نه تنها روایت تاریخی ما از رویدادها کامل می‌شود بلکه می‌توانیم برای برخی مسائل زن امروز، مثل اعتراض نقش‌ها با مراجعه به تجربه زیسته زن تراز انقلاب، پاسخ‌هایی بیابیم. زن تراز انقلاب اسلامی می‌تواند زنی باشد در دل روشنایی که با چند پیچه قدوم‌قدیم، کنار تنور، برای جبهه‌ها نان می‌پزد. می‌تواند زنی باشد که به خواستت خدا فرزندی ندارد، اما عرصه تکلیف را رها نمی‌کند و با راه‌اندازی مکتب یا مدرسه‌ای، کمر به تربیت فرزندان جامعه پیرامونش می‌بندد. می‌تواند دختر مجردی باشد که دست روزگار سرنوشتش را به گونه‌ای رقم زده است که در کنار پدر و مادر یا خواهر و برادر یا حتی عمو یا عمه‌اش زندگی می‌کند، اما بلا تکلیف و پله، روزگار نمی‌گذرانند و بر حسب توشش، کارهای بر زمین مانده را به دوش می‌کشند. می‌تواند زنی باشد که در کنار همسرداری و تربیت فرزندان، خودش و جامعه‌اش را هم به خاطر دارد و… تاریخ انقلاب ما پر است از این زنان، چراغی باید تا آنها را در اطرافمان ببینیم. خلاً خسارت‌بار این روایت را در جریان‌های غریب‌زده و فمینیستی به خوبی بر می‌کشند و در فقدان روایت زنان به معنای واقعی کلمه «تاریخ‌ساز» انقلاب اسلامی، به ترویج الگوهای غیربومی بیگانه با سنت و آیین و فرهنگ و نیز مستحیل در یوتویپای غربی مشغولند…»

نظری بر بسترهای نظری و عملی برقراری جمهوری اسلامی در ایران



نظری بر بسترهای نظری و عملی برقراری جمهوری اسلامی در ایران

اجرای احکام اسلامی

با میدان داری مردم مسلمان

■ احمد رضا صدری

در روزهایی که بر ما گذشت، از چهل و سومین سالروز تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران عبور کردیم. هم از این روی و در مقال بی‌آمده، بسترهای نظری و عملی این رویداد تاریخی را باز خوانده‌ایم. مستندات این نوشتار بر تارنمای پژوهشکده مطالعات تاریخ معاصر ایران آمده است. امید آنکه محققان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **بسترهای اجتماعی برقراری جمهوری اسلامی در جامعه ایرانی**

بی‌تردید برقراری طبیعی هر نظام سیاسی در هر کشوری، بیش و پیش از هر چیز معلول بسترهای موجود اجتماعی در آن محدوده جغرافیایی است. چه اینکه نهایتاً و در عمل آن محقق می‌شود که مردمان طالب آئند و زمین‌شاه را مهیا می‌کنند. در انقلاب کبیر اسلامی ایران نیز، بدنه اجتماعی ایرانیان به طور قاطع جمهوری اسلامی می‌خواستند، با مختصاتی که امام خمینی از سال‌ها پیش به ویژه در دوران اقامت در نوفل لوشاتو به تبیین آن پرداخته بود. زهرا سقیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در ترمیم فضای اجتماعی ایران در آن مقطع چنین می‌نویسد: «استیصال و بلاتکلیفی حکومت‌های غربی در قبال تحولات سیاسی ایران در سال ۱۳۵۷ باعث شده بود که آنان هیچ‌گونه تصور درستی در مورد آینده ایران و حکومت احتمالی نداشته باشند. با این حال تسریع روند فروپاشی حکومت در ماه‌های منتهی به انقلاب، بر شی سناریوهای پیش روی حکومت آینده ایران را نشان داد. یکی از این سناریوها حکومت اسلامی بود که برخی محورهای آن، بارها از سوی امام خمینی مطرح شده بود. بر همین اساس بود که امریکا و دیگر کشورهای غربی، به تدریج به سوی یافتن راه‌هایی برای مذاکره با امام و حکومت جدید بر آمدند، چراکه تحقق آن را نزدیک می‌دیدند. این موضوع بارها در منابع مختلف از جمله در اسناد سفارت امریکا نمود یافته است. در این اسناد مشخص شده است که امریکا در ماه‌های آخر انقلاب، تأسیس حکومت جمهوری اسلامی ایران را نزدیک و محتمل می‌دید. به‌رغم آنکه رویای حکومت جمهوری اسلامی موردنظر امام خمینی از سوی ایشان در نوفل لوشاتو مطرح می‌شد، اما تمام تلاش رهبر انقلاب بر پرچیدن حکومت پهلوی و استقرار حکومتی بر پایه اسلام و مردم متمرکز بود. بنسای تنها طرح او یعنی جمهوری اسلامی، بر نفی حکومت سلطنتی پهلوی استوار بود. بر اساس همین واقعیت بود که شبکه سی.بی.اس یکی از شبکه‌های رادییوی و تلویزیونی مطرح امریکا در ۱۳ ژانویه گفت: جمهوری اسلامی در ایران نزدیک است. آنها می‌دانستند در هر شرایطی خواست نهایی مردم حکومت جمهوری اسلامی است. به‌زم تخلی‌بگران غربی و سفارت امریکا اگر جنگ داخلی آغاز شود، توده‌های مردم برای برپایی یک جمهوری اسلامی خواهند جنگید. محور خواسته‌های مخالفان و ناراضیان نیز همین موضوع، یعنی استقرار حکومت جمهوری اسلامی بود. به عبارتی توده‌های افراد برای تشکیل حکومت اسلامی به‌قدری جدی و پررنگ شده بود که بسیاری از گروه‌های اجتماعی و اقتصادی نیز به آن پی برده بودند. برای مثال در یکی از اسناد سفارت امریکا از وضعیت بازار یان چنین نقل شده است:بازاری‌ها از ناآرامی‌های موجود خسته شده‌اند و از لحاظ پولی در مرحله ورشکستگی هستند. یکی از آنها گفت:هم‌اکنون میزان بدهی‌های او بالغ بر ۶۰ میلیون ریال (حدود یک‌میلیون دلار) شده است! آنها می‌دانند



■ هجده، ۶۰ نفری از رهپیمانی‌های ۲۳ تپه‌پن، در آستانه میدان آزادی تهران

توجه امام خمینی به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه، موجب شد تا آرای مردم در تعیین شکل حکومت، مهم و اثرگذار تلقی شود. در واقع ایده اسلامی بودن حکومت، هنگامی توانست عینیت یابد که به جامعه متصل شد و مردم را پشتوانه خود قرار داد. از اینجاست که جمهوری اسلامی به‌عنوان قالبی برای آمیختگی آموزه‌های اسلامی با مقتضیات زمان عیان شد. در واقع جمهوری بر مبنای شناخت از تجربیات دیگر کشورها و ظرفی برای مختصات بومی و مکانی خاص ایران بود. این جمهوری‌بت بدون توجه به نقش و جایگاه مردم میسر نبود. امام حتی نیز به نقش مردم توجه داشتند

شاه به عنوان سمبل نظام استبدادی چند هزار ساله کرده‌اند. وجه ایجابی شعارهای انقلابی درباره نوع حکومت و اشاره صریح به حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی دارد. شعارهایی چون نه قانون اساسی، نه سازش سیاسی، حکومت اسلامی؛ ما کارگران، حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی می‌خواهیم؛ نظام شاهنشاهی، عامل هر فساد است؛ جمهوری اسلامی، مظهر عدل و داد است؛ کار شاه تمام است، خمینی امام است/استقلال و آزادی جمهوری اسلامی آخرین کلام است؛ استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی ایجاد باید گردد؛ این کشور ویرانه آباد باید گردد؛ دوران سلطنت فئاسنت؛ جمهوری اسلامی به پاست؛ آزادی نهایی، جمهوری اسلامی، بیروزی نهایی، اخراج امریکایی؛ فرار باد جمهوری اسلامی؛ دیروز اسارت، امروز انقلاب، فردا آزادی، دیروز سلطنت، امروز انقلاب، فردا جمهوری اسلامی و نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی. ارزش‌های انقلابیون درباره نوع حکومت به نفی سلطنت و تمام معایب و بدی‌های آن که در قالب حکومت شاه نمود یافته بود، می‌پرداخت. چنان‌که انتقاد امام خمینی از حکومت سلطنتی موروثی، در شعارهای انقلابی نیز تأثیر داشته و خود را نشان داده است، شعارهایی که در عین نفی سلطنت ارثی، مزایای حکومت جمهوری را در مقابل نظام سلطنتی برمی‌شمرد: استقلال، آزادی، نه شاه مادرزادی؛ جمهوری اسلامی آری، کار خود قرار داد، دلائی که تقریباً نافرجام بود.»

■ **جمهوری اسلامی، در آیینته شعارهای انقلابی**
انقلاب‌ها معمولاً از طریق شعارهای خود، حکومت ایرانی نیز به لحاظ فریحه‌رشار مردمان این دیار، شمار شفاف و آشکار فراوان دارد. این شعارها معمولاً در وجه سلبی خویش به نفی سلطنت نظر داشت و در جنبه ایجابی به برقراری حکومت اسلامی در قالب جمهوری ساده و عام فهم است که دسته جمعی ادا می‌شود ایران، در ارزیابی این شعارها آورده است: «هر انقلابی دو وجه سلبی و ایجابی دارد: از یک‌سو به نفی ارزش‌های حکومت موجود می‌پردازد و از سوی دیگر، حکومت بدیل را ارائه می‌کند. شعارهای انقلابی به‌عنوان سندی دست اول از اهداف و آرمان‌های انقلابیون می‌تواند چوه سلبی و ایجابی انقلاب را در بر گیرد. شعار انقلابی عبارتی نسبتاً موزون، پیش آورده است که دسته جمعی ادا می‌شود در آن با تکیه بر عواطف و احساسات توده‌ای، ارزیابی مثبت و منفی‌ای از وضع موجود یا وضع ایده‌آل یا شخصیت‌های سیاسی آن را ارائه می‌دهد. شعار انقلابی با اقتضای ارزشی، به توده‌های مطرح شده و آنها را دعوت به عمل سیاسی جمعی می‌کند تا نظام حاکم را براندازد و نظامی آرمانی را جایگزین آن کند. در مقابل ایران، شعارهای زیادی مطرح شده و شاید در مقایسه با این هیچ انقلابی این قدر شعار نداشته است! گویی که شعار، جانشین سلاح در انقلاب ایران شده است. در جریان انقلاب اسلامی درباره شکل و محتوای حکومت بعدی شعارهای انقلابی متعددی داده می‌شد که برخی از آنها سلبی و برخی ایجابی بود. بر تری اسلام و نیروهای اسلامی در جریان انقلاب که به واسطه نفوذ مذهب در میان مردم تقویت شد، موجب گشت تا شعارهای مردم نیز در وجه سلبی و ایجابی دورنمای حکومتی اسلامی و جمهوری را نوید دهد. به هر حال، شعارهای هر انقلابی، چکیده‌ای از ایده‌نولوژی آن انقلاب است که در قالب عبارات‌ها و جمله‌های کوتاه، مهیج، شورآفرین و وحدت‌بخش، در بین انقلابیون و توده‌های انقلابی مطرح شده و عامل اساسی بسیج انقلابی می‌شود. وجه سلبی شعارهای انقلاب اسلامی ایران، به نفی سلطنت و ضدیت با شخص محمدرضا پهلوی ختم می‌شد. تقابل مردم با رژیم پهلوی بیشترین سهم را در شعارهای سلبی به خود اختصاص می‌داد. این شعارها شامل مواردی چون مرگ بر شاه، ای شاه خائن آواره گردی، خاک پیزر باد ملت بر شانه‌ننگ و نفرت، می‌کنی جوانان را حامیان قرآن، را مرگ بر این شاه و… بود. گویی ملت ایران همه فشارهای سیاسی تاریخ خود، استبداد، اختناق و تحقیر رشتن چند هزارساله خویش را در قالب این شعارها ریخته و آنها را شجاعانه و بی‌پروا، ناظر

نجات پیدا کند. در آینده ایران، حکومتی اسلامی هدایتگر جامعه خواهد بود که تمامی انسان‌ها در آن آزاد و مستقل هستند و بر حسب‌اصول و معارف تشیع با تمامی ملت‌ها و دولت‌هایی که با حکومت شیعه خوش‌فتاری کنند، احترام متقابل شکل می‌گیرد. همچنین امام تأکید داشتند که در آینده، ایران به ملت‌های غرب نه‌تنها هیچ نظر سئونی نخواهد داشت، بلکه اگر به ایران احترام گذارند با آنها روابط مناسبی نیز برقرار خواهد کرد. ترمیم تصویر آینده ایران بعد از انقلاب، از چشمگیرترین فعالیت‌های مربوط به انقلاب اسلامی است. امام خمینی، رهبر انقلاب مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی برای آینده ایران در نظر داشتند که مهم‌ترین آنها گسست از تاریخ پذیرفته‌شده ایرانیان و نابودی سلطنت بود. پس از آن جمهوری اسلامی جانشین سلطنت می‌شد که دو عنصر عدالت و اقتصاد ملی، مهم‌ترین ویژگی‌های آن بودند. امام خمینی خطوط سیاست خارجی ایران پس‌انقلاب را احترام به کشورهای غیرمتخاصم و مقابله با کشورهای متخاصم بیان کردند که در نهایت به سیاست نه شرقی و نه غربی ختم می‌شد. ایشان با رویکرد انقلابی، نه‌تنها سازوکار موجود را ویران می‌کردند، بلکه معمار نظامی نوین نیز بودند که در کلیت خود جمهوری اسلامی نام داشت. در نهایت چنین باید نتیجه گرفت که حمایت عظیم جامعه از مبارزه امام خمینی نشان داد که آنها به‌قدر کافی افکار اسلامی را درک کرده و متوجه آینده شده‌اند…»

■ حاکمیت ایمان و عقیده، در زمره کلان‌ترین حقوق انسانی

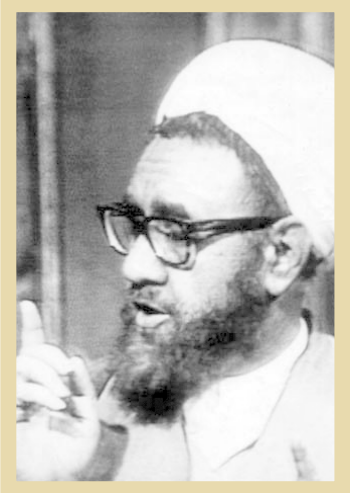
با این همه، همچنان جای این پرسش باقی است که سلسله‌جنبان انقلاب اسلامی و یاران اندیشمندش، در هم‌راهی جمهوریت و اسلامیت، چه دیدگاهی داشتند و آن را چگونه تئوریزه کردند؟ سیه صادقی، پژوهشگر تاریخ ایران، این موضوع را از منظر ذیل دیده است:

«هنگامی که جمهوری اسلامی، به‌عنوان نوع حکومت مطلوب انقلابیون معرفی می‌شود، امام خمینی در پاسخ به پرسش خیرنگار فاینشتالن تأیمز انگلیس، رابطه میان جمهوریت و اسلامیت را بدینگونه شرح دادند: ما خواستار جمهوری اسلامی می‌باشیم، جمهوری شکل حقوقی حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی یعنی محتوای آن، فرم که قوانین الهی است… این تلاش برای ایجاد وفاق میان مؤلفه‌های اسلامی و غربی، وجه دیگری از رویه بازسازی اسلام، بر مبنای مقتضیات زمان بود. چنانچه شهید مطهری نیز در راستای ایجاد این وفاق می‌گوید: «هنگامی بودن با جمهوری حاکمیت ملی یا به‌طور کلی با دموکراسی منافات ندارد و هیچگاه اصول دموکراسی، ایجاب نمی‌کند که بر یک جامعه ایدئولوژی و مکتبی حاکم نباشد… یا او این منافات را اشتباه کنسای می‌داند که با این مورد قبول آنان، هنوز همان دموکراسی قرن هجدهم است که در آن حقوق انسان در مسائل مربوط به معیشت، خوراک، مسکن، پوشاک و آزادی در انتخاب راه معیشت مادی، خلاصه می‌شود، اما اینکه مکتب، عقیده و وابستگی به ایمان هم جزء حقوق انسانی است به کلی به فراموشی سپرده شده است… توجه امام به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه موجب شد تا آرای مردم در تعیین شکل حکومت، مهم و اثرگذار تلقی گردد. در واقع ایده اسلامی بودن حکومت، هنگامی توانست عینیت یابد که به جامعه متصل شد و مردم را پشتوانه خود قرار داد. از اینجاست که جمهوری اسلامی به‌عنوان قالبی برای آمیختگی آموزه‌های اسلامی با مقتضیات زمان عیان گردید. در واقع جمهوری بر مبنای شناخت از تجربیات دیگر کشورها و ظرفی برای مختصات بومی و مکانی خاص ایران بود. این جمهوری‌بت بدون توجه به نقش و جایگاه مردم میسر نبود. امام حتی برای تجویز اسلامی بودن حکومت نیز به نقش مردم توجه داشتند. ایشان با استدلالی بر پایه مسلمان بودن قریب به اتفاق جامعه ایران و اینکه در همه مراحل کار، اسلام تنها ملاک و ضابطه نظام اجتماعی و نوع حکومت خواهد بود، نتیجه‌گر گرفتند: بدیهی است که مردم جز به حکومت اسلامی راضی نشوند. بدین ترتیب در مسیر تعیین شکل حکومت اسلامی، از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷، به تدریج ایده وولایت فقیه شکلی ملموس تر گرفت، چراکه در میان برخورد و منازعه آرای سیاسی موجود در آن مقطع امام خمینی با شناخت از شرایط و مقتضیات کامل جامعه به ترکیب جمهوری اسلامی دست یافت. ایشان برای آنکه بتوانند به ایده حکومتی بر خاسته از اسلام سیاسی، نمود عینی و بیرونی بدهد، بر حق ملت تأکید می‌کرد و آنها را شریک در سرنوشت جامعه اسلامی دانست. ایشان از جمله حقوق اولیه هر ملت را حق تعیین سرنوشت می‌دانست و از سبویی نیز احترام به حق آرای عموسی را مهم ارزیابی می‌کرد. در نتیجه در روندی تدریجی که نظرگاه ایشان جمهوریت و اسلامیت به پیشینی رسیدند و ثمره انقلاب اسلامی، حکومتی اسلامی گردید که با شرایط زمانه وفق داده شده بود. ولی فقیه در این الگوی حکومتی، مقام نخست حکومت بسود، اما مردم آنها بود، اصلاح می‌شد. آینده‌ای که در آن تمام چارچوب‌های پوسیده و بی‌محتوایی را که در ۵۰ سال مردم را به غرب‌زدگی کشانده است، خراب می‌شد. امام از جامعه می‌خواستند تا بر پایه‌های اسلامی خویش تکیه کنند و بر غرب و غرب‌زدگان که موجب نابودی فرهنگ آنها شده‌اند، پشت پا بزنند تا ایران آینده از وابستگی نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به هر وسیله‌ای

عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷

استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری



استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری

«**آیت‌الله مطهری: «اسلامی بودن با جمهوری بودن، حاکمیت ملی یا به‌طور کلی بسا دموکراسی، منافات ندارد و هیچ‌گاه اصول دموکراسی ایجاب نمی‌کند که بر یک جامعه، ایدئولوژی و مکتبی حاکم نباشد… دموکراسی مورد قبول مخالفان، هنوز همان دموکراسی قرن هجدهم است که در آن حقوق انسان در مسائل مربوط به معیشت، خوراک، مسکن، پوشاک و آزادی در انتخاب راه معیشت مادی خلاصه می‌شود، اما اینکه مکتب و عقیده و وابستگی به ایمان هم جزو حقوق انسانی است، به کلی به فراموشی سپرده شده است…!**»